

تحليل تحولات اخير اقتصاد ايران

كود موضوعي: ۲۲۰

شماره مسلسل: ۱۵۹۵۶

مردادماه ۱۳۹۷

معاونت پژوهش‌های اقتصادي

دفتر: مطالعات اقتصادي

فهرست مطالب

۱	چکیده
۳	مقدمه
۴	۱. تحلیل دلایل و عوامل مؤثر بر تحولات اخیر اقتصاد ایران
۶	۱-۱. عوامل زمینه‌ای
۶	۱-۲. شوک (عدم تأیید و خروج آمریکا از برجام)
۶	۱-۳. بازار ارز
۷	۱-۴. بازار طلا
۷	۱-۵. بازار کالاهای بادوام (خودرو و...)
۷	۱-۶. بازار مسکن
۷	۱-۷. بازار بورس
۸	۱-۸. تورم
۱۰	۲. چشم‌انداز تولید و بخش حقیقی اقتصاد با توجه به تحولات اخیر
۱۰	۲-۱. تأثیر بحران ارزی بر عملکرد تولید و بخش حقیقی
۱۲	۲-۲. تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر تولید و بخش حقیقی اقتصاد ایران
۱۶	۳. توصیه‌های سیاستی



تحلیل تحولات اخیر اقتصاد ایران

چکیده

بازار ارزهای خارجی، طلا و سکه، خودرو و در نهایت بازار بورس اوراق بهادار از جمله مهمترین بازارهایی هستند که در ماههای اخیر دچار التهاب شده و قیمت‌ها در این بازارها با شیب زیادی رو به افزایش بوده‌اند. علاوه بر این بازارها، اخیراً قیمت برخی کالاها و خدمات مصرفی خانوار مثل گوشت گوسفند، گوشت مرغ، برنج، چای، دارو و ... افزایش یافته است. با این حال نگاهی به روند نرخ تورم اعلام شده توسط بانک مرکزی و مرکز آمار نشان می‌دهد این نرخ در خردادماه به ترتیب ۹/۴ و ۸/۲ درصد بوده است که با تلقی عمومی مردم از تورم متفاوت است. در توجیه این موضوع باید بیان کرد نرخ تورم، متوسط افزایش قیمت کالاها و خدمات سبد خانوار در ۱۲ ماه اخیر است و حتی با وجود بروز شوک قیمتی در تمام کالاهای سبد خانوار، تنها یک‌دوازدهم از اثر این شوک قیمتی در تورم ماه جاری منعکس می‌شود، در این مواقع نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه می‌تواند تطابق بیشتری با تلقی عمومی از نرخ تورم داشته باشد. بررسی نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه نشان می‌دهد این نرخ که در فروردین‌ماه ۱۳۹۷ برابر ۷/۹ درصد بوده در خردادماه به ۱۳/۷ درصد افزایش یافته است. این افزایش به‌خصوص در برخی زیربخش‌ها که اتفاقاً تأثیر زیادی بر تلقی عمومی از تورم دارند بسیار قابل توجه است. برای مثال شاخص قیمت خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها تنها در خردادماه (یک ماه) نسبت به ماه قبل ۸/۸ درصد رشد داشته است. بررسی شاخص قیمت تولیدکننده نیز نشان از رشد قابل توجه این شاخص دارد. این موارد نشان می‌دهد هرچند نرخ تورم همچنان در کانال تکریمی قرار دارد، اما نگاهی به زیرشاخص‌های شاخص قیمت تولیدکننده و مصرف‌کننده، نشان از روند فزاینده تورم و خروج از کانال تکریمی برای برخی گروه‌های کالایی و در نهایت برای شاخص کل در آینده نزدیک دارد.

شوک عدم تأیید و خروج آمریکا از برجام در کنار عوامل زمینه‌ای مثل حجم بالای نقدینگی، عدم تناسب رشد نقدینگی و نرخ تورم، مشکلات و شکنندگی سیستم بانکی و نرخ‌های بالای سود بانکی، رشد بالای بدهی‌های عمومی، وابستگی به نفت، وابستگی تولید به واردات واسطه‌ای و سرمایه‌ای، عدم تناسب روابط اقتصادی بین‌المللی و سیاست خارجی کشور، فساد، ضعف حاکمیت قانون و تنزل سرمایه اجتماعی مهمترین دلایل تحولات اخیر در بازارهای مختلف هستند.

درواقع موارد فوق از کانال‌های انتظار افزایش تحریم‌ها و تکرار تجربه قبلی و تلاش برای حفظ ارزش دارایی‌ها از سوی فعالان اقتصادی، افزایش خروج سرمایه از کشور، افزایش تقاضای سفته‌بازی ارز و کاهش

همکاری بانک‌های خارجی با ایران موجب افزایش نرخ ارز و در ادامه افزایش التهاب در سایر بازارهای دارایی شده‌اند.

نرخ ارز از کانال‌های مختلفی می‌تواند بر تورم اثرگذار باشد که مهمترین آنها افزایش قیمت کالاهای وارداتی مصرفی خانوار و افزایش قیمت کالاهای واسطه‌ای و در نتیجه افزایش هزینه‌های تولید است. برآوردهای مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد به‌ازای هر ۱۰ درصد افزایش نرخ ارز نرخ تورم دو درصد رشد خواهد داشت.

تحریم‌های اقتصادی از کانال‌های کاهش صادرات نفت، کاهش صادرات غیرنفتی و محدودیت واردات بر تولید و بخش حقیقی اقتصاد ایران اثرگذار خواهد بود. برآوردهای مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد در صورت کاهش ۵۰۰ هزار بشکه‌ای صادرات نفت، رشد اقتصادی سال ۱۳۹۷ برابر ۰/۵ درصد و در صورت کاهش یک میلیون بشکه‌ای صادرات نفت این رقم به منفی دو درصد خواهد رسید. البته این شرایطی است که دولت هیچ‌گونه سیاست فعالی را در مقابل شوک‌های فوق نداشته باشد.

بررسی‌های مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد بخش‌هایی که بیشترین آسیب‌پذیری را در شرایط تحریم و محدودیت واردات دارند عبارتند از: «ساخت وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم‌تریلر»، «ساخت سایر تجهیزات حمل‌ونقل»، «ساخت مواد شیمیایی و محصولات شیمیایی»، «ساخت محصولات از لاستیک و پلاستیک» و «ساخت منسوجات».

بخش‌هایی که وابستگی بالایی به واردات دارند، با اعمال تحریم و محدودیت واردات با کاهش توان تولید بیشتری در اقتصاد مواجه می‌شوند. در این خصوص آنچه اهمیت می‌یابد این است که بخش‌هایی در اولویت سیاستگذاری قرار گیرند که علاوه بر وابستگی کمتر به واردات، از پیوندهای قوی‌تر با سایر بخش‌های اقتصادی و لذا توانایی بیشتری در ایجاد تحرک در اقتصاد برخوردار باشند. در صورتی که امکان جایگزینی واردات و تخصیص ارز در شرایط تحریم میسر نباشد، باید بخش‌هایی در اولویت سیاستگذاری قرار گیرند که دو ویژگی مهم داشته باشند: نخست آنکه وابستگی کمتری به واردات داشته باشند. دوم آنکه از پیوندهای قوی و توانایی بالا در ایجاد تحرک در کل اقتصاد برخوردار باشند.

بررسی‌های مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد بخش‌هایی که دارای دو مؤلفه فوق هستند به ترتیب عبارتند از: ساخت محصولات غذایی، کشاورزی، ساختمان، ساخت مبلمان، دباغی و پرداخت چرم، فلزات اساسی، ساخت محصولات چوبی و ساخت سایر محصولات کانی غیرفلزی.

بدیهی است اگر دولت سیاست‌های مناسبی را بر فعال ساختن بخش‌های مزبور به‌ویژه بخش مسکن در پیش بگیرد، اثر کاهش صادرات نفت بر رشد اقتصادی کمتر خواهد بود و کشور می‌تواند آثار تحریم را خنثی کند.



از انتهای سال ۱۳۹۶ نشانه التهاب در برخی از بازارها مانند بازار خودرو مشاهده شد و در ماه‌های ابتدایی سال ۱۳۹۷ و به‌خصوص خردادماه، بازارها با التهاب مواجه شده‌اند. بازار ارزهای خارجی، طلا و سکه، خودرو و در نهایت بازار بورس اوراق بهادار از جمله مهمترین بازارهایی هستند که دچار التهاب شده و قیمت‌ها در این بازارها با شیب زیادی رو به افزایش بوده‌اند.

نرخ ارز: متوسط نرخ یورو در خردادماه ۱۳۹۷ (۷۷۰۹۰ ریال) نسبت به خردادماه ۱۳۹۶ (۴۲۴۱۰ ریال) حدود ۸۲ درصد رشد داشته است. علاوه بر این نرخ یورو در بازار در ابتدای تیرماه به رقم بی‌سابقه ۱۰۲ هزار ریال رسیده است. سایر ارزهای خارجی نیز تقریباً به همین نسبت در بازار رشد داشته‌اند.

طلا: متوسط قیمت سکه بهار آزادی در خردادماه ۱۳۹۷ نسبت به خردادماه ۱۳۹۶ حدود ۸۰/۵ درصد رشد داشته است و از رقم ۱۱۷۶ هزار تومان به ۲۱۲۷ هزار تومان رسید. این رقم در ابتدای تیرماه به رقم بی‌سابقه ۳ میلیون تومان نزدیک شده است.

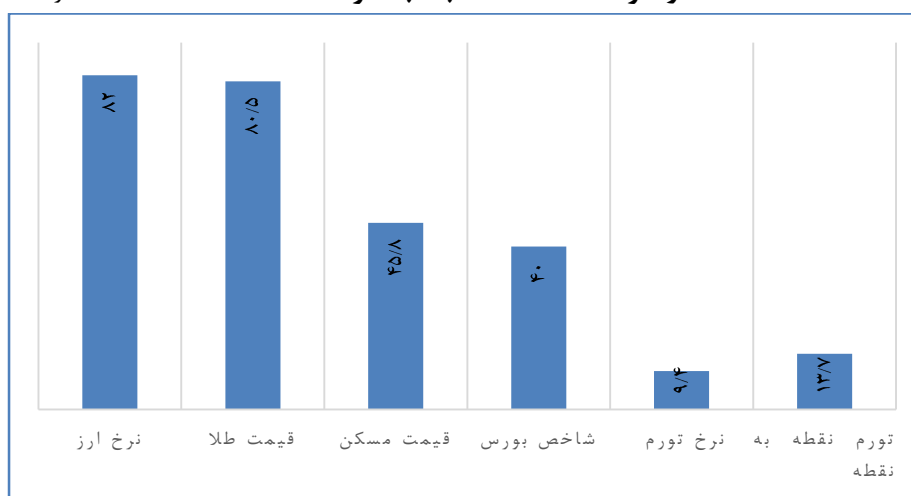
قیمت مسکن: براساس اعلام بانک مرکزی متوسط قیمت یک متر زیربنای مسکونی در شهر تهران در خردادماه ۱۳۹۷ نسبت به خردادماه ۱۳۹۶ حدود ۴۵/۸ درصد رشد داشته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد بخش عمده این رشد در ماه‌های انتهای سال ۱۳۹۶ و ابتدای سال ۱۳۹۷ رخ داده است. به‌طوری که این متغیر تنها در دو ماه منتهی به خردادماه ۱۳۹۷ حدود ۱۵/۵ درصد رشد داشته است.

شاخص بورس: شاخص بورس اوراق بهادار تهران در ابتدای تیرماه ۱۳۹۷ به رقم ۱۱۱,۳۲۴ واحد رسید که نسبت به خرداد سال ۱۳۹۶ حدود ۴۰ درصد رشد نشان می‌دهد.

نمودار ۱. متوسط رشد قیمت در بازارهای مختلف

(درصد)

در خردادماه ۱۳۹۷ نسبت به خردادماه ۱۳۹۶



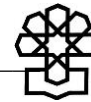
همچنین علاوه بر این بازارها که در ایران به‌عنوان بدیل‌های سرمایه‌گذاری شناخته می‌شوند، شاخص قیمت برخی کالاها و خدمات مصرفی خانوار مثل گوشت گوسفند، گوشت مرغ، برنج، چای، دارو و ... افزایش قابل توجهی را تجربه کرده است. با این حال نگاهی به روند نرخ تورم اعلام شده توسط بانک مرکزی نشان می‌دهد این نرخ در فروردین‌ماه ۱۳۹۷ برابر ۹/۲ درصد بوده که در خردادماه به ۹/۴ درصد افزایش یافت. تورم اعلام شده توسط مرکز آمار ایران نیز از این رقم پایین‌تر است و برای خانوارهای شهری و روستایی به‌ترتیب برابر ۸/۲ و ۷/۹ درصد بوده است. ارقام به نسبت پایین تورم اعلام شده توسط نهادهای رسمی و اوضاع به نسبت متشنج قیمت کالاها و خدمات در باور عمومی نوعی بی‌اعتمادی نسبت به آمار اعلامی را ایجاد کرده است. با وجود این باید توجه داشت نرخ تورم، متوسط افزایش قیمت کالاها و خدمات سبد خانوار در ۱۲ ماه اخیر است و حتی با وجود بروز شوک قیمتی در تمام کالاهای سبد خانوار، تنها یک‌دوازدهم از اثر این شوک قیمتی در تورم ماه جاری منعکس می‌شود، در این مواقع نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه می‌تواند تطابق بیشتری با تلقی عمومی از نرخ تورم داشته باشد. بررسی نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه نشان می‌دهد این نرخ که در فروردین‌ماه ۱۳۹۷ برابر ۷/۹ درصد بوده در خردادماه به ۱۳/۷ درصد افزایش یافته است. این افزایش به‌خصوص در زیربخش‌ها بسیار قابل توجه است. برای مثال شاخص قیمت خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها تنها در خردادماه (یک‌ماه) نسبت به ماه قبل ۸/۸ درصد رشد داشته است.

بررسی شاخص قیمت تولیدکننده که می‌تواند به‌عنوان شاخصی پیش‌نگر برای نرخ تورم مصرف‌کننده نیز استفاده شود، نشان می‌دهد این شاخص در ماه‌های اخیر رشد قابل توجهی داشته و نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه تولیدکننده در خردادماه ۱۳۹۷ به رقم ۱۶/۹ درصد رسیده است. موارد فوق نشان می‌دهد هرچند نرخ تورم همچنان در کانال تک‌رقمی قرار دارد، اما نگاهی به زیرشاخص‌های شاخص قیمت تولیدکننده و مصرف‌کننده، نشان از روند فزاینده تورم و خروج از کانال تک‌رقمی برای برخی گروه‌های کالایی و در نهایت برای شاخص کل در آینده نزدیک دارد.

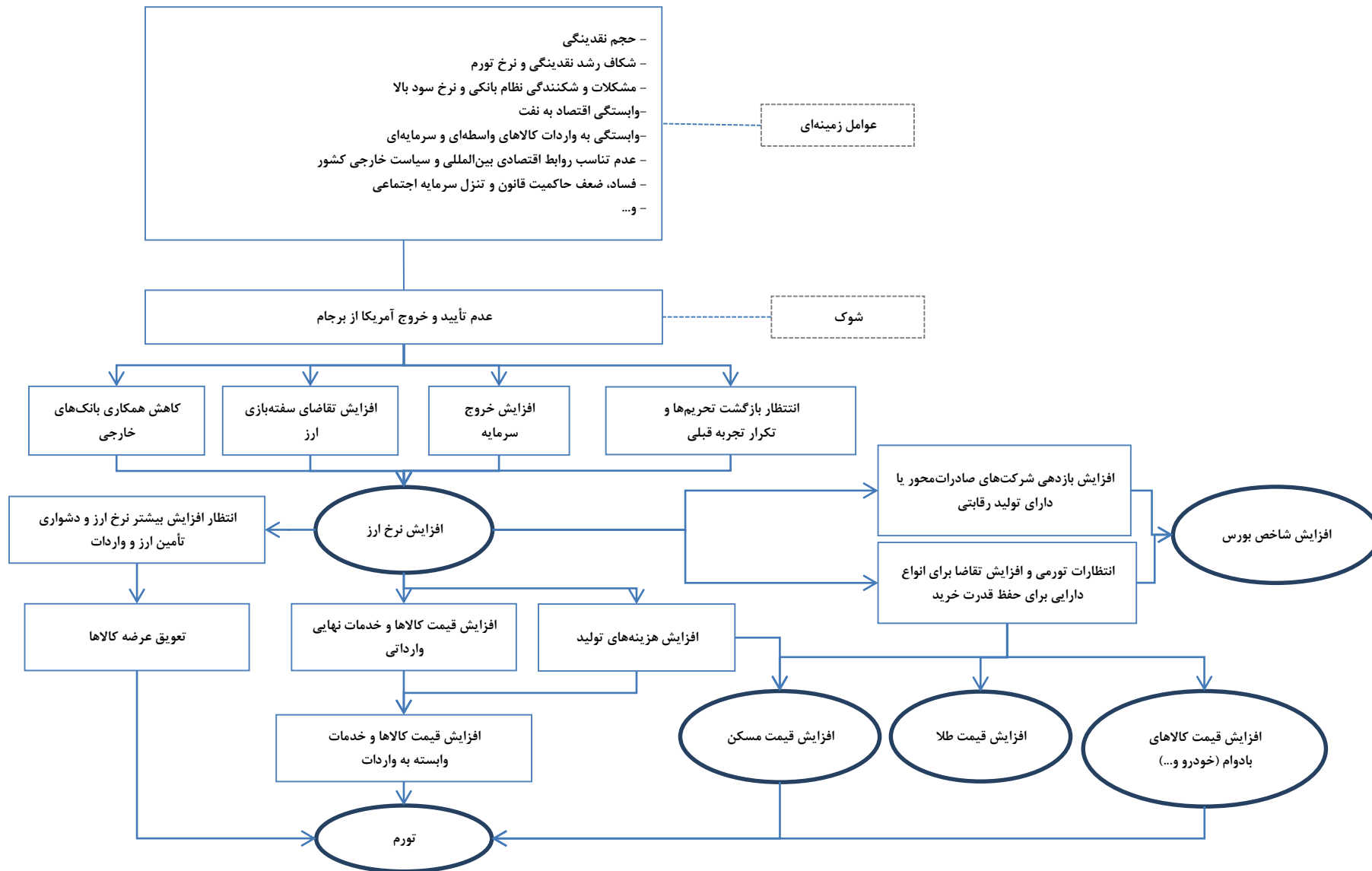
۱. تحلیل دلایل و عوامل مؤثر بر تحولات اخیر اقتصاد ایران

یکی از مهمترین وجوه تحولات اخیر اقتصاد ایران که برخی نگرانی‌ها از کاهش قدرت خرید و افزایش فشار اقتصادی به طبقات متوسط و ضعیف را موجب شده است، افزایش قیمت در بازار انواع کالاها و خدمات و دارایی‌هاست. نمودار ذیل به‌صورت تصویری دلایل و عوامل مؤثر بر وضعیت بازارها و ارتباط آنها با یکدیگر را نشان می‌دهد.

نکته مهم در این زمینه آن است که با وجود آنکه تصمیم اخیر آمریکا در خروج از برجام به‌عنوان یک شوک در تحولات اخیر بازارها به‌خصوص بازار ارز مؤثر بوده است، نمی‌توان و نباید نقش و اهمیت عوامل زمینه‌ای که اقتصاد ما را در برابر اینگونه شوک‌ها آسیب‌پذیر کرده است نادیده گرفت. در ادامه به نقش هرکدام به‌طور جداگانه پرداخته خواهد شد.



نمودار ۲. بیان تصویری عوامل مؤثر بر تحولات اخیر در بازارهای مختلف



۱-۱. عوامل زمینه‌ای

عوامل زمینه‌ساز تحولات اخیر در بسیاری از بازارهای اقتصاد ایران در واقع همان نقاط آسیب‌پذیری اقتصاد ایران هستند که در مورد آنها بحث‌های زیادی به‌صورت کارشناسی و عمومی صورت گرفته است. از جمله مهمترین این عوامل می‌توان به حجم بالای نقدینگی، عدم تناسب رشد نقدینگی و نرخ تورم، مشکلات و شکنندگی سیستم بانکی و نرخ‌های بالای سود بانکی، رشد بالای بدهی‌های عمومی، وابستگی به نفت، وابستگی تولید به واردات واسطه‌ای و سرمایه‌ای، عدم تناسب روابط اقتصادی بین‌المللی و سیاست خارجی کشور، فساد، ضعف حاکمیت قانون و تنزل سرمایه اجتماعی اشاره کرد که هر یک به‌نحوی زمینه را برای بی‌ثباتی اقتصاد کشور فراهم کرده‌اند.

۱-۲. شوک (عدم تأیید و خروج آمریکا از برجام)

در چنین شرایطی و با وجود عوامل زمینه‌ای فوق‌الذکر، بروز شوک‌های منفی می‌تواند تبعات قابل توجه اقتصادی به‌دنبال داشته باشد. به‌خصوص با وجود برخی زمینه‌های اجتماعی و تجربه نامطلوب قبلی از فشارهای تحریم بین‌المللی، خروج آمریکا از برجام به‌عنوان نشانه‌ای از بازگشت قریب‌الوقوع تحریم‌ها و تکرار تجربه قبلی از سوی افکار عمومی و مصرف‌کنندگان و فرصتی برای سفته‌بازی سودآور برای صاحبان منابع مالی تلقی شد که تبعات آن ابتدا در بازار ارز هویدا شد و سپس به سایر بازارها تسری یافت.

۱-۳. بازار ارز

با در نظر گرفتن عوامل زمینه‌ای مورد اشاره، انتخاب ترامپ با رویکرد تخاصمی به ایران و برجام، عدم تأیید برجام توسط وی برای چند دوره سه‌ماهه و در نهایت دستور وی برای خروج آمریکا از برجام، این موضوع شوک لازم را برای ایجاد بی‌ثباتی بازار ارز فراهم آورد. همان‌طور که نمودار فوق نشان می‌دهد، این موضوع دست‌کم از چهار کانال زیر بر بی‌ثباتی بازار و افزایش نرخ ارز مؤثر بوده است:

۱. انتظار افزایش تحریم‌ها و تکرار تجربه قبلی و تلاش برای حفظ ارزش دارایی‌ها از سوی فعالان اقتصادی،
۲. افزایش خروج سرمایه از کشور،
۳. افزایش تقاضای سفته‌بازی ارز،
۴. کاهش همکاری بانک‌های خارجی با ایران.

واکنش دستگاه‌های سیاستگذاری مرتبط و به‌خصوص بانک مرکزی به بی‌ثباتی این بازار به نوعی چیزی فراتر از انکار وضعیت بوده است. به‌نحوی که دولت در ابتدا بازار موازی را غیرقانونی اعلام کرد و همزمان با وجودی که نرخ ارز در بازار غیررسمی در مقطعی از ۷۰۰۰ تومان هم عبور کرد، نرخ رسمی را ۴۲۰۰ تومان اعلام و تضمین کرد که نیاز ارزی برای همه انواع واردات را تأمین کند. این سیاست جای



نقد بسیار دارد و نیازمند بازنگری است چرا که اولاً موجبات رشد تقاضای واردات را در شرایطی که کشور با نیازهای ارزی ضروری و محدودیت منابع ارزی قریب‌الوقوع مواجه است، فراهم می‌آورد. ثانیاً انگیزه برای فساد و رانت‌جویی را افزایش می‌دهد. ثالثاً انگیزه صادرات رسمی را کاهش می‌دهد.

۴-۱. بازار طلا

طلا از جمله اقلام کالایی است که قیمت آن در بازارهای بین‌المللی تعیین می‌شود و لذا نرخ ارز تأثیر مستقیم بر قیمت داخلی آن دارد. از طرف دیگر، افزایش نرخ ارز منجر به ایجاد انتظارات تورمی می‌شود که خود انگیزه کنشگران اقتصادی برای حفظ قدرت خرید خود از طریق خرید انواع دارایی را افزایش می‌دهد که یکی از این دارایی‌ها طلاست.

۵-۱. بازار کالاهای بادوام (خودرو و...)

همان‌طور که در رابطه با طلا هم بحث شد، در نتیجه انتظارات تورمی و انگیزه خرید انواع دارایی برای حفظ قدرت خرید فعالان اقتصادی، بازار کالاهای بادوام نظیر خودرو، لوازم خانگی و... هم از این شرایط متأثر شده و عموماً تقاضا برای آنها نیز افزایش می‌یابد. علاوه بر این، بسیاری از این کالاها خود یا وارداتی هستند یا از مواد اولیه وارداتی در تولید آنها استفاده می‌شود، لذا افزایش نرخ ارز به صورت مستقیم بر افزایش قیمت این نوع از کالاها مؤثر است. البته افزایش قیمت خودرو به طور خاص متأثر از عوامل دیگری از جمله افزایش تعرفه، عدم ثبت سفارش و ... نیز بوده است.

۶-۱. بازار مسکن

تأثیر افزایش نرخ ارز بر بازار مسکن بیش از انگیزه حفظ قدرت خرید عوامل اقتصادی در مواجهه با شرایط تورمی است، چراکه افزایش نرخ ارز از طریق افزایش هزینه‌های تولید بر هزینه تمام شده مسکن تأثیر گذاشته و در نتیجه این عامل هم در افزایش قیمت در بازار مسکن مؤثر است.

۷-۱. بازار بورس

سهام انواع شرکت‌های بورسی به عنوان یک دارایی نیز نظیر طلا، کالاهای بادوام و مسکن برای حفظ قدرت خرید مورد تقاضای فعالان اقتصادی قرار می‌گیرد. با این حال، عامل دیگری که در وضعیت این بازار مؤثر است، افزایش بازدهی شرکت‌های صادرات‌محور در نتیجه افزایش ارزش ریالی صادرات آنها و نیز انتظار افزایش بازدهی شرکت‌های تولیدی با تولید رقابتی در نتیجه کاهش مورد انتظار واردات و جایگزینی تولیدات آنهاست.

۸-۱. تورم

افزایش نرخ ارز از طرق مختلفی بر سطح عمومی قیمت‌ها و در نتیجه تورم مؤثر است که برخی از آنها در واقع همان عواملی است که پیش از این به آن پرداخته شد:

اولاً افزایش نرخ ارز قیمت کالاها و خدمات نهایی سبد مصرفی خانوار را افزایش می‌دهد.

ضریب اهمیت مهمترین کالاها و خدمات سبد خانوار که مستقیماً تحت تأثیر ارز قرار می‌گیرند در جدول ۱ آورده شده است. برای نمونه حدود یک درصد از هزینه‌های خانوار مربوط به برنج خارجی می‌شود که با افزایش ۱۰ درصدی نرخ ارز، ۰/۱ درصد نرخ تورم مصرف‌کننده از این محل افزایش خواهد یافت. ضمن اینکه علی‌رغم تولید داخلی برخی کالاها مثل وسایل صوتی - تصویری، دارو و ... سهم بالایی از مصرف داخلی این کالاها از محل واردات تأمین می‌شود و بنابراین تحت تأثیر افزایش نرخ ارز قرار خواهند گرفت. بنابراین از دلایل افزایش قیمت‌ها در ماه‌های اخیر، علاوه بر تأثیر نرخ ارز بر شاخص قیمت تولیدکننده، تأثیر مستقیم آن بر شاخص قیمت مصرف‌کننده نیز هست. به‌طور کلی انتظار بر آن است که به‌ازای افزایش ۱۰ درصدی نرخ ارز، از محل افزایش کالاهای مذکور تورم حدود یک درصد افزایش یابد.

جدول ۱. ضریب اهمیت کالاهای مرتبط با ارز در شاخص قیمت مصرف‌کننده

۱/۰۸	برنج خارجی
۰/۳۱	چای خشک خارجی
۰/۲۶	انواع سیگار خارجی
۰/۳۹	اتومبیل سواری خارجی
۰/۵۸	هزینه مسافرت با تور به خارج از کشور
۰/۲۳	دستگاه تلفن همراه
۲/۸۵	جمع
۰/۹۹	وسایل صوتی - تصویری، عکاسی و فیلم‌برداری و کامپیوتر
۱/۵۴	محصولات دارویی
۰/۴۶	وسایل شخصی و محصولات آرایشی

ثانیاً از طریق افزایش قیمت کالاهای وارداتی واسطه‌ای و سرمایه‌ای هزینه‌های تولید و در

نتیجه قیمت کالاها و خدمات وابسته به واردات را افزایش می‌دهد.

بیش از ۷۵ درصد از واردات کشورمان را واردات کالای واسطه‌ای و سرمایه‌ای تشکیل می‌دهد و بنابراین افزایش نرخ ارز را در مرحله اول شاخص قیمت تولیدکننده افزایش می‌دهد. شاخص قیمت تولیدکننده از انتهای سال ۱۳۹۶ کم‌وبیش روند افزایشی داشته و از آنجایی که این شاخص به‌عنوان شاخص پیشران تورم (افزایش شاخص قیمت مصرف‌کننده) است، نشان از روند فزاینده تورم دارد. نرخ تورم تولیدکننده برای خردادماه ۱۳۹۷ برابر ۲/۲ درصد بوده که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۱۶/۹



درصد افزایش را نشان می‌دهد.

محاسبات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد که به‌ازای هر ۱۰ درصد افزایش در نرخ ارز، یک درصد شاخص قیمت تولیدکننده در اقتصاد ایران افزایش خواهد یافت که در این میان گروه ساخت (شامل ساخت کاغذ، ساخت مبلمان، ساخت وسایل حمل‌ونقل و وسیله موتوری، ساخت ابزار پزشکی، ساخت محصولات شیمیایی و ...) بیشترین افزایش را خواهند داشت، به‌طوری که به‌عنوان مثال با ۱۰ درصد افزایش قیمت ارز، شاخص قیمت در گروه سایر اجزای حمل‌ونقل و ساخت وسایل نقلیه موتوری به‌ترتیب ۴ و ۳/۵ درصد افزایش خواهد یافت.

جدول ۲. برآورد رشد شاخص قیمت تولیدکننده بخش‌های مختلف در اثر رشد ۱۰ درصدی نرخ ارز

۴/۰	ساخت سایر تجهیزات حمل‌ونقل
۳/۵	ساخت وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم‌تریلر
۳/۴	ساخت ماشین‌آلات دفتری، حسابداری و محاسباتی
۳/۲	ساخت مواد شیمیایی و محصولات شیمیایی
۳/۱	ساخت محصولات از لاستیک و پلاستیک
۳/۰	ساخت کاغذ و محصولات کاغذی
۲/۸	ساخت منسوجات
۲/۸	ساخت ماشین‌آلات و دستگاه‌های برقی طبقه‌بندی نشده در جای دیگر
۲/۸	ساخت ابزار پزشکی، ابزار اپتیکی، ابزار دقیق و انواع ساعت
۲/۶	ساخت ماشین‌آلات و تجهیزات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر
۲/۶	ساخت رادیو و تلویزیون، دستگاه‌ها و وسایل ارتباطی
۲/۴	ساخت فلزات اساسی
۲/۴	ساخت محصولات فلزی فابریکی بجز ماشین‌آلات و تجهیزات
۲/۳	ساخت پوشاک، عمل‌آوری و رنگ کردن خز
۲/۳	دباغی و پرداخت چرم و سایر محصولات چرمی
۱	شاخص قیمت تولیدکننده

در میان گروه‌های اصلی شاخص قیمت تولیدکننده در ماه‌های اخیر نیز، گروه صنعت (ساخت) بیشترین افزایش را داشته و شاخص قیمت این گروه در اردیبهشت‌ماه ۲/۳ درصد و در خردادماه ۱/۳ درصد رشد داشته است. رشد شاخص قیمت این گروه در خردادماه نسبت به ماه مشابه سال قبل ۲۱/۲ درصد بوده است که تا حد زیادی تحت تأثیر افزایش نرخ ارز بوده و انتظار می‌رود در ماه‌های آتی به افزایش شاخص قیمت مصرف‌کننده منجر شود.

بنابراین روند افزایشی شاخص قیمت تولیدکننده از آذرماه سال ۱۳۹۶، افزایش تورم برای ماه‌های آتی را پیش‌بینی می‌کند و افزایش نرخ ارز نیز به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین عامل‌های این افزایش شناخته می‌شود.

ثالثاً افزایش نرخ ارز از طریق افزایش قیمت برخی دارایی‌ها که در سبد مصرفی خانوار نیز هستند نظیر مسکن و کالاهای بادوام موجب افزایش نرخ تورم می‌شود.

رابعاً افزایش نرخ ارز و فشار تحریم‌های قریب‌الوقوع موجب ایجاد انتظار افزایش بیشتر نرخ ارز و دشواری تأمین ارز و واردات می‌شود که خود باعث ایجاد انگیزه ازسوی عرضه‌کنندگان و تجار برای احتکار و تعویق عرضه کالاهای خود می‌شود که عاملی برای افزایش قیمت‌ها و تورم می‌تواند در نظر گرفته شود.

۲. چشم‌انداز تولید و بخش حقیقی اقتصاد با توجه به تحولات اخیر

انتظار می‌رود شرایط حادث شده اخیر در اقتصاد ایران از دو کانال اصلی که البته به یکدیگر مرتبط هستند، بر بخش حقیقی مؤثر واقع شود:

۱. از کانال بحران ارزی،
۲. از کانال تحریم‌های اقتصادی.

در ادامه به تشریح تأثیر این دو عامل بر تولید خواهیم پرداخت.

۲-۱. تأثیر بحران ارزی بر عملکرد تولید و بخش حقیقی

سقوط ارزش پول ملی، بحران نرخ ارزی را به‌وجود می‌آورد. این مسئله ممکن است در نظام نرخ ارز ثابت، شناور یا نظام ارزی شناور مدیریت شده اتفاق افتد. اگر نظام ارزی ثابت باشد، بحران باعث از دست رفتن ذخایر بین‌المللی می‌شود و آنگاه که ذخایر رو به اتمام است، دولتمردان با هدف انباشت ذخایر یا حفظ ذخایر موجود با تعیین نرخ ارزی است که انگیزه تبدیل پول داخلی به ارز یا پول‌های ذخیره بین‌المللی را کاهش می‌دهد به تضعیف ارزش پول متوسل می‌شوند.

اگر کشوری دارای نظام شناور ارزی باشد، بحران نرخ ارز همراه با تقلیل ارزش سریع کنترل ناشدنی پول ملی همراه خواهد بود. اگرچه هیچ نوع نظام ارزی نمی‌تواند ایمنی را تضمین کند، اما محققان در زمان حاضر بر این عقیده‌اند که کشورهایی که پول خود را به پول کشورهای دیگر تثبیت می‌کنند ممکن است در برابر بحران ارزی، آسیب‌پذیرتر باشند. بحران نرخ ارز نیز به مانند بحران بانکی غالباً باعث تعمیق رکود می‌شود.

کانال‌های مختلفی وجود دارد که از طریق آنها تأثیرات رکودی بحران ارزی می‌تواند به بخش حقیقی انتقال یابد. مهمترین این کانال‌ها در ادامه تبیین می‌شود:

الف) از طریق تأثیر بر نظام بانکی: بحران‌های ارزی و عملکرد ناکارآی بخش بانکی می‌توانند



چرخه خیبی را ایجاد کنند، به گونه‌ای که تشدیدکننده یکدیگر باشند. بنابراین هنگام ارزیابی صدمه‌پذیری یک کشور از بحران و اثر اقتصادی بحران ارزی، باید شاخص‌های قدرت مالی را مورد ارزیابی قرار داد. نقش مرکزی و محوری نهادهای مالی و نیز نظارت و تنظیم بخش مالی و بخش بانکی، محدود ساختن وام‌گیری بیش از حد از خارج و کاهش مخاطره کمبود موقتی نقدینگی را که می‌تواند بحران آفرین باشد ضروری می‌سازد (pesenti and Tille, 2000).

هنگامی که ارزش پول ملی کشور با بحران ارزی مواجه شده سقوط می‌یابد، ارزش ارزی بدهی‌های بانک‌ها به شدت افزایش خواهد یافت. در نتیجه، بسیاری از بانک‌ها در آستانه ورشکستگی قرار می‌گیرند، از این رو کارکرد واسطه‌گری مالی بانک‌ها مختل شده و سرمایه‌گذاری جدید متوقف می‌شود، لذا تقاضای مؤثر کاهش می‌یابد که تأثیر منفی بر رشد دارد. این موضوع در اقتصادهایی با ارتباطات مالی گسترده سیستم بانکی با بخش خارجی اهمیت بیشتری دارد اما خوشبختانه اقتصاد ایران به دلیل بدهی‌های اندک خارجی از این ناحیه کمتر ضربه‌پذیر است.

ب) از طریق تأثیر بر مخارج دولت: وقوع بحران ارزی به‌طور بالقوه می‌تواند از طریق فشارهای تورمی به کاهش قدرت خرید دولت منجر شده و از آن طریق بر تقاضای مؤثر و بخش حقیقی اقتصاد مؤثر باشد. باین حال، در اقتصادی نظیر اقتصاد ایران که بخشی از درآمدهای دولت ماهیت ارزی دارد، وقوع بحران ارزی می‌تواند دووجهی باشد. تجربه بحران‌های ارزی قبلی نشان می‌دهد که تأثیر این عامل در بلندمدت بر مخارج دولت به قیمت‌های حقیقی منفی است اما در کوتاه‌مدت می‌تواند برعکس باشد. در هر صورت با در نظر گرفتن تحریم‌های فروش نفتی که در قسمت بعدی به آن پرداخته خواهد شد، انتظار کاهش قدرت خرید دولت وجود دارد.

از سوی دیگر در پی کسری بودجه، دولت ممکن است به فروش اوراق قرضه برای تأمین مالی مخارج خود اقدام کند اما چون بازارهای سرمایه در بسیاری از کشورهای کم‌درآمد و کشورهای با درآمد متوسط نظیر ایران توسعه نیافته هستند، عموماً افراد منابع یا تمایل لازم را به پذیرش مخاطره خرید اوراق قرضه ندارند، در این شرایط دولت مجبور می‌شود از بانک مرکزی درخواست کند دست به خریداری اوراق قرضه دولتی بزند. در این حالت عملاً عرضه پول به میزان وام دریافتی دولت افزایش می‌یابد و خود باعث ایجاد فشارهای تورمی می‌شود.

ج) از طریق تأثیر بر تولیدات وابسته به کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای وارداتی: کاهش ناگهانی ارزش پول می‌تواند قدرت خرید پول داخلی را کاهش دهد و به صنایعی که برای تولیدات خود به مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای وابسته‌اند، با تحمیل هزینه‌های بالاتر صدمه بزند و از این طریق رشد اقتصادی را کاهش دهد.

د) از طریق کاهش اعتماد عمومی به توانایی دولت در اداره اقتصاد: در نتیجه بحران ارزی،

فرار سرمایه آغاز می‌شود. انگیزه اقتصادی فروش دارایی‌های داخلی و تبدیل پول به دست آمده به ارز، ناشی از این است که مردم باور دارند که در آینده نرخ ارز افزایش خواهد یافت. با تبدیل مقدار بیشتر پول داخلی به ارز، ذخایر ارزی دولت کاهش می‌یابد و آنگاه دولت برای حفظ باقی‌مانده آن، مجبور به تقلیل ارزش پول ملی می‌شود. تقلیل ارزش پول می‌تواند باعث کاهش اعتماد به توانایی دولت در اداره اقتصاد شود و به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر، مشکلات سیاسی به وجود آورد که خود می‌تواند عاملی برای کاهش امنیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری باشد.

ه) از طریق تأثیر بر رابطه مبادله بازرگانی: کاهش ارزش پول ملی به تغییر رابطه مبادله بازرگانی به زیان داخل منجر می‌شود. یکی از معانی این موضوع کاهش درآمد ملی است. کاهش درآمد ملی خود به معنای کاهش درآمد سرانه و در نتیجه کاهش تقاضای مؤثر است که در مرحله بعدی می‌تواند رکود را عمیق‌تر کند.

و) از طریق تأثیر بر تراز تجاری: یکی از تأثیرات بالقوه مثبت کاهش ارزش پول ملی می‌تواند تقویت صنایع صادراتی و جایگزینی بخشی از واردات باشد. این موضوع مشروط به آن است که فشارهای تورمی افزایش نرخ ارز اسمی را به‌طور کامل خنثی نکرده و در نهایت شاهد افزایش نرخ ارز حقیقی باشیم. بهبود تراز تجاری در نتیجه این شرایط می‌تواند به رشد تولید منجر شود.

۲-۲. تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر تولید و بخش حقیقی اقتصاد ایران

اگرچه به‌طور بالقوه ممکن است بروز بحران ارزی را معلول تحریم‌های اقتصاد تلقی کرده و تأثیرات آن بر بخش حقیقی را به تحریم مرتبط دانست. با توجه به اهمیت موضوع بحران ارزی به تنهایی از یک‌طرف و نقش سایر عوامل به‌جز تحریم در بروز بحران ارزی از طرف دیگر، به‌طور مستقل به موضوع بحران ارزی پرداخته شد.

با عنایت به این موضوع، تحریم‌های اقتصادی به‌جز از کانال افزایش نرخ ارز، از طرق زیر می‌توان بر تولید مؤثر باشد:

الف) از طریق کاهش صادرات نفت: در تحریم‌های فراسرزمینی (ثانویه) آمریکا حذف ایران از بازار نفت هدفگذاری شده است. اگرچه براساس واقعیات بازار نفت تحقق کامل چنین هدفی دور از انتظار است اما تحقق نسبی آن کاملاً محتمل است. برآوردهای موجود مبین کاهش ۵۰۰ هزار بشکه‌ای نفت در سناریو کوتاه‌مدت و حدود یک میلیونی در چشم‌انداز میان‌مدت است. با توجه به سهم نفت در تولید ناخالص داخلی این خود به معنای کاهش قابل توجه تولید ناخالص داخلی کشور می‌باشد. برآوردهای مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد در صورت کاهش ۵۰۰ هزار بشکه‌ای نفت از فصل سوم سال جاری، رشد اقتصادی سال ۱۳۹۷ برابر ۰/۵ درصد و در صورت اجرای



سناریو کاهش یک میلیون بشکه‌ای صادرات نفت این رقم به ۲- درصد خواهد رسید. البته این در صورتی است که هیچ‌گونه سیاست جایگزینی برای خنثی‌سازی آثار اجرا نکند.

(ب) از طریق تأثیر بر صادرات غیرنفتی: برخی از اقلام صادراتی ایران نظیر محصولات پتروشیمی به‌طور مستقل در لیست تحریم‌های آمریکا قرار دارند و سایر صادرات غیرنفتی نیز به‌طور بالقوه می‌توانند از طریق محدودیت‌های تبادلات مالی یا تحریم اشخاص حقیقی و حقوقی موجود در لیست SDN آمریکا که با این صنایع مرتبط هستند، از تحریم‌ها متأثر شوند.

(ج) از طریق محدودیت واردات: تجربه تحریم‌های آمریکا در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ نشان می‌دهد که به کاهش واردات منجر خواهد شد. این موضوع می‌تواند تهدیدات و فرصت‌هایی را به‌دنبال داشته باشد. در کوتاه‌مدت کاهش واردات بر تولیدات وابسته به کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای تأثیر منفی خواهد گذاشت. با این حال، در میان‌مدت و بلندمدت می‌تواند به معنای رشد تولیدات جایگزین داخلی باشد.

ارقام جدول ۳ وابستگی مستقیم، غیرمستقیم و القایی بخش‌های اقتصادی به واردات واسطه‌ای را نشان می‌دهد. برای مثال در صورت یک میلیون ریال افزایش سرمایه‌گذاری یا مخارج دولت از بخش ساخت وسایل نقلیه موتوری، واردات مستقیم، غیرمستقیم و القایی این بخش به اندازه ۳۰۴ هزار ریال افزایش خواهد یافت.

با توجه به جدول، مشاهده می‌شود که زیربخش‌های صنعت در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی، آسیب‌پذیری بیشتری از محدودیت واردات متحمل خواهند شد، زیرا این بخش‌ها وابستگی مستقیم و غیرمستقیم بیشتری به واردات دارند.

بخش‌هایی که بیشترین آسیب‌پذیری را در شرایط تحریم و محدودیت واردات دارند

عبارتند از:

«ساخت سایر تجهیزات حمل‌ونقل»، «ساخت وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم‌تریلر»، «ساخت مواد شیمیایی و محصولات شیمیایی»، «ساخت محصولات از لاستیک و پلاستیک» و «ساخت منسوجات».

بخش‌هایی که کمترین آسیب‌پذیری را از محدودیت واردات دارند عبارتند از:

نفت خام و گاز طبیعی، آب، برق و گاز، سایر معادن، خدمات و ساخت سایر محصولات کانی غیرفلزی

جدول ۳. وابستگی بخش‌های اقتصادی به واردات واسطه‌ای

ردیف	عنوان	وابستگی به واردات
۱	ساخت سایر تجهیزات حمل‌ونقل	۰/۳۳۲
۲	ساخت وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم‌تریلر	۰/۳۰۴
۳	ساخت مواد شیمیایی و محصولات شیمیایی	۰/۲۷۸
۴	ساخت محصولات از لاستیک و پلاستیک	۰/۲۷۵
۵	ساخت منسوجات	۰/۲۶۸
۶	ساخت کاغذ و محصولات کاغذی	۰/۲۶۱
۷	ساخت ماشین‌آلات و دستگاه‌های برقی طبقه‌بندی نشده در جای دیگر	۰/۲۵۷
۸	ساخت ابزار پزشکی، ابزار اپتیکی، ابزار دقیق و انواع ساعت	۰/۲۵۶
۹	ساخت ماشین‌آلات دفتری، حسابداری و محاسباتی	۰/۲۴۷
۱۰	ساخت پوشاک، عمل‌آوری و رنگ کردن خز	۰/۲۴۳
۱۱	ساخت ماشین‌آلات و تجهیزات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر	۰/۲۳۹
۱۲	ساخت رادیو و تلویزیون، دستگاه‌ها و وسایل ارتباطی	۰/۲۳۷
۱۳	ساخت محصولات فلزی فابریکی به‌جز ماشین‌آلات و تجهیزات	۰/۲۳۵
۱۴	دبافی و پرداخت چرم و سایر محصولات چرمی	۰/۲۲۹
۱۵	ساخت مبلمان، مصنوعات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر و بازیافت	۰/۲۲۲

مأخذ: محاسبات تحقیق.

بخش‌هایی که وابستگی بالایی به واردات دارند، با اعمال تحریم و محدودیت واردات با کاهش توان تولید بیشتری در اقتصاد مواجه می‌شوند. در این خصوص آنچه اهمیت می‌یابد این است که بخش‌هایی در اولویت سیاست‌گذاری قرار گیرند که علاوه بر وابستگی کمتر به واردات، از پیوندهای قوی‌تر با سایر بخش‌های اقتصادی و لذا توانایی بیشتری در ایجاد تحرک در اقتصاد برخوردار باشند. در صورتی که بتوان با تخصیص ارز و جایگزینی واردات مشکل محدودیت واردات در شرایط تحریم را برطرف کرد، می‌توان بخش‌های ارائه شده در جدول ۳ را به‌عنوان بخش‌های با اولویت سرمایه‌گذاری در شرایط تحریم معرفی کرد.

ارقام ستون سوم جدول ۴ به این معناست که برای مثال در پی اعمال یک سیاست مالی انبساطی و یا افزایش مخارج سرمایه‌گذاری در هر بخش اقتصادی، تولید کل اقتصاد چه میزان افزایش خواهد داشت. به‌طور مثال در صورت وجود تحریم، با افزایش یک واحد مخارج دولت از بخش محصولات غذایی و آشامیدنی، $3/04$ واحد به تولید کل اقتصاد اضافه خواهد شد.

**جدول ۴. ضرایب فزاینده تولید بخش‌های مختلف اقتصادی در شرایط تحریم**

ردیف	عنوان	ضریب فزاینده تولید
۱	ساخت محصولات غذایی و انواع آشامیدنی‌ها، توتون و تنباکو	۳/۰۴
۲	کشاورزی	۲/۷۹
۳	ساخت پوشاک، عمل‌آوری و رنگ کردن خز	۲/۵۷
۴	ساخت منسوجات	۲/۵۶
۵	ساختمان	۲/۵۶
۶	ساخت محصولات فلزی فابریکی به‌جز ماشین‌آلات و تجهیزات	۲/۵۵
۷	ساخت مبلمان، مصنوعات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر و بازیافت	۲/۵۲
۸	ساخت کاغذ و محصولات کاغذی	۲/۵۰
۹	دباغی و پرداخت چرم و سایر محصولات چرمی	۲/۵۰
۱۰	ساخت وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم‌تریلر	۲/۴۹
۱۱	ساخت فلزات اساسی	۲/۴۸
۱۲	ساخت چوب و محصولات چوبی	۲/۴۸
۱۳	ساخت سایر محصولات کانی غیرفلزی	۲/۴۱
۱۴	ساخت ماشین‌آلات و دستگاه‌های برقی طبقه‌بندی نشده در جای دیگر	۲/۳۹
۱۵	ساخت سایر تجهیزات حمل‌ونقل	۲/۳۹

اما در صورتی که امکان جایگزینی واردات و تخصیص ارز در شرایط تحریم میسر نباشد باید بخش‌هایی در اولویت سیاستگذاری قرار گیرند که دو ویژگی مهم داشته باشند:

– نخست آنکه وابستگی کمتری به واردات داشته باشند.

– دوم آنکه از پیوندهای قوی و توانایی بالا در ایجاد تحرک در کل اقتصاد برخوردار باشند.

بخش‌هایی که دارای دو مؤلفه فوق هستند به ترتیب عبارتند از ساخت محصولات غذایی، کشاورزی، ساختمان، ساخت مبلمان، دباغی و پرداخت چرم، فلزات اساسی، ساخت محصولات چوبی و ساخت سایر محصولات کانی غیرفلزی.

جدول ۵. بخش‌های اقتصادی با توان تولیدی بالا و وابستگی کم به واردات

ردیف	عنوان
۱	ساخت محصولات غذایی و انواع آشامیدنی‌ها، توتون و تنباکو
۲	کشاورزی
۳	ساختمان
۴	ساخت مبلمان، مصنوعات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر و بازیافت
۵	دباغی و پرداخت چرم و سایر محصولات چرمی
۶	فلزات اساسی
۷	ساخت چوب و محصولات چوبی
۸	ساخت سایر محصولات کانی غیرفلزی

۳. توصیه‌های سیاستی

پیش از ارائه هرگونه توصیه سیاستی با توجه به پیچیدگی شرایط اقتصادی کشور به دلیل عدم تعادل‌های بودجه‌ای و مالی (بانک‌ها و صندوق‌های بازنشستگی) و همچنین محدودیت‌های قابل توجه در بخش تجارت خارجی و انتقالات مالی بین‌المللی باید به این نکته توجه داشت که تصمیم‌گیری در شرایط فعلی بسیار متفاوت و پیچیده‌تر از تصمیم‌گیری در شرایط معمول اقتصاد است، لذا اقتضای مدیریت چنین شرایطی نیز متفاوت از شرایط معمول اقتصاد است و چند ویژگی مهم زیر را طلب می‌کند:

۱. سرعت عمل و البته دقت در تصمیم‌گیری،

۲. هماهنگی سیاست‌های بخشی،

۳. در نظر گرفتن ابعاد و پیامدهای جانبی تصمیمات،

۴. گفتگو با مردم و در نظر گرفتن افکار عمومی در اتخاذ تصمیمات.

در این راستا استفاده حداکثری از تمام نیروهای کارشناسی، اجرایی و هماهنگی میان دستگاه‌ها و قوای کشور اجتناب‌ناپذیر است. در نهایت باید توجه داشت که هر تصمیم سیاستی قطعاً هزینه‌هایی دارد و بخش‌هایی از جامعه را متضرر خواهد کرد؛ بر این اساس هنر سیاستگذاری در این شرایط پیچیده مدیریت و کنترل هزینه‌های جانبی سیاست‌ها و به‌طور مشخص حداقل‌سازی هزینه‌ها به‌خصوص هزینه‌های اجتماعی آنهاست.

برای مثال در شرایط بحران ارزی همواره یکی از اولین سیاست‌ها برای جلوگیری از خروج سرمایه و کاهش میزان سیالیت نقدینگی، افزایش نرخ سود بانکی است. شاهد این مدعا افزایش نرخ سود در ترکیه و روسیه در نتیجه افزایش اخیر در نرخ ارز این کشورهاست. باین‌حال اتخاذ این سیاست با پیچیدگی‌هایی روبه‌رو است: افزایش نرخ سود بانکی عدم تعادل موجود در ترازنامه بانک‌های کشور را از طریق افزایش بیشتر سرعت رشد بدهی‌ها (سودهایی که به‌صورت سپرده‌ای پرداخت می‌شود) تشدید می‌کند. ازسوی دیگر با افزایش نرخ سود سپرده، نرخ سود تسهیلات نیز افزایش می‌یابد و در نتیجه هزینه‌های تولید بالا رفته به افزایش قیمت تمام‌شده کالاهای تولید داخل منجر خواهد شد که خود پیامدهای منفی دیگری دارد. لذا همان‌گونه که بیان شد ضروری است تمام ابعاد سیاست‌ها مورد بررسی قرار گیرد و با توجه به تحلیل تمام منافع و هزینه‌ها سیاست بهینه اتخاذ شود. ازسوی دیگر پیچیدگی شرایط ممکن است اقتضا کند که سیاست‌های غیرمتعارف و نوآورانه‌ای اتخاذ شود. در بحران مالی ۲۰۰۷-۲۰۰۸ آمریکا پس از اینکه نرخ‌های بهره در بازار بین‌بانکی به حدود صفر درصد رسیده بود، سیاست‌های پولی غیرمتعارف را دنبال کرد که پیش‌تر از آن سابقه‌ای در آمریکا نداشت.

یکی از مهمترین کارها در شرایط جدید، اصلاح انتظارات مردم از طریق گفتگو و تشریح وضعیت جدید کشور حتی با هزینه کاهش محبوبیت مدیران ارشد است. در واقع به‌نظر می‌رسد برای حل مسائل موجود تنها



اكتفا به راه‌حل‌های اقتصادی راهگشا نیست و باید از طرق مختلف انتظارات جامعه نسبت به شرایط اقتصادی پیش‌رو اصلاح شود. به‌خصوص آنکه مردم با داشتن تجربه بحران‌های ارزی سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ انتظارات خود را براساس شرایط گذشته تعدیل کرده‌اند و مدیریت این انتظارات بسیار سخت‌تر از سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ است. در ادامه برخی از راهکارها در حوزه مباحث ارزی و پولی ارائه شده است:

الف) حوزه ارزی

همان‌گونه که در بخش قبل بیان شد بخشی از علل افزایش قیمت‌ها به موضوع افزایش نرخ ارز بازمی‌گردد. در این حوزه چند اقدام مشخص قابل توصیه است:

۱. پذیرش این نکته که در حال حاضر اگرچه منابع ارزی کشور تکافوی نیازهای وارداتی کشور را دارد، اما به‌دلیل محدودیت‌های شدیدی که در ماه‌های آتی بر صادرات نفت کشور و نقل و انتقالات مالی بین‌المللی وضع می‌شود، ضرورت ایجاد می‌کند که در استفاده از درآمدها و ذخایر ارزی کشور بسیار سخت‌گیرانه عمل شود. به‌طور مشخص تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی در شرایطی که نرخ آن در بازار آزاد نزدیک به دو برابر قیمت است و بسیاری از قیمت‌های کالاها براساس آن تعدیل شده است، تنها به هدر رفت منابع ارزی کشور منجر می‌شود، چرا که به واسطه رانت موجود، تقاضای واردات تشدید خواهد شد. براین اساس دولت باید اولاً منابع و مصارف ارزی کشور تا پایان سال را برآورد کند. ثانیاً با اولویت‌بندی کالاها و خدمات، یارانه ارزی فقط برای کالاها و خدمات اساسی که امکان رصد قیمت آنها وجود دارد - در طول زنجیره تا هنگامی که به مصرف‌کننده نهایی می‌رسد- اختصاص یابد. دولت ثبت سفارش و واردات کالاهای لوکس و غیرضروری و همچنین برخی کالاهایی که در داخل ظرفیت تولید آنها به‌طور کامل وجود دارد را ممنوع کرد. براین اساس برای واردات سایر کالاها و خدمات می‌باید ارز به قیمت آزاد اختصاص یابد. این اقدام هم قدری از عطش واردات این کالاها می‌کاهد و هم قدرت رقابت تولیدکنندگان کالاهای مشابه و جایگزین را افزایش می‌دهد.

۲. سیاست ارزی برای مدیریت کشور در ماه‌های آتی نیازمند اصلاح جدی و فوری است. صرف‌نظر از مشکلات و محدودیت‌های ارزی کشور، فروش ارز به نرخ ۴۲۰۰ تومان برای واردات کالاها و خدمات در شرایطی که قیمت دلار در بازار آزاد در حال حاضر نزدیک به دو برابر آن است، فساد زیادی ایجاد می‌کند. فاصله حدود ۱۰۰ درصدی ارز دولتی با ارز در بازار آزاد انگیزه‌های کم‌اظهاری در صادرات و بیش‌اظهاری و دیگر اظهاری در واردات را تشدید می‌کند. صادرکننده نفع خود را در این می‌بیند که ارزش صادرات خود را کمتر اظهار کند و آن را به نرخ ۴۲۰۰ تومان عرضه کند و مابقی ارز حاصل از صادرات خود را به قیمت آزاد بفروشد. واردکننده نیز انگیزه دارد که با تبانی با تولیدکننده خارجی ارزش واردات را بیشتر از قیمت متعارف اظهار کند و لذا بیشتر از ارزش کالای وارداتی ارز دریافت کند و آن را

در بازار آزاد بفروشد یا کالاهای دیگری که به آنها ارز دولتی تعلق می‌گیرد را وارد کند. علاوه بر این صادرات مجدد نیز در این شرایط افزایش خواهد یافت. به عبارت دیگر واردکنندگان این انگیزه را دارند که کالای وارداتی با نرخ ۴۲۰۰ تومانی را مجدداً صادر کنند و ارز حاصل از آن را با نرخ آزاد در بازار بفروشند. همچنین برخی از صادرکنندگان در مقابل فروش ارز حاصل از صادرات خود به نرخ ۴۲۰۰ تومانی، خارج از این مبادله ارزی، مبالغ دیگری را دریافت می‌کنند. در کنار این مفاسد در بسیاری از موارد همان‌گونه که بیان شد کالاها و خدماتی که خود آنها یا مواد اولیه‌شان با ارز ۴۲۰۰ تومانی وارد شده است، براساس نرخ دلار در بازار آزاد به دست مصرف‌کننده نهایی می‌رسد. دولت و بانک مرکزی پس از انتقادات به سیاست یکسان‌سازی نرخ دلار به قیمت ۴۲۰۰ تومان، ایجاد بازار دوم را پذیرفت و براساس آن معاملات ارز بین صادرکنندگان گروه ۲۰ درصدی براساس تقسیم‌بندی وزارت صمت، صرافان مجاز و واردکنندگان کالاهای دارای اولویت سوم وزارت صمت با قیمت توافقی انجام خواهد شد. بازار دوم اگرچه قدمی رو به جلو است، اما فروش ۸۰ درصد از ارز صادرات کشور به نرخ ۴۲۰۰ تومان کماکان منشأ فساد می‌باشد. لذا برای جلوگیری از فساد و هدر رفت منابع کشور نیز ضروری است بازار دوم تا جایی که امکان دارد بزرگ‌تر شده و ارز بیشتری در آن براساس نرخ توافقی عرضه شود.

۳. با توجه به ضرورت مداخله در بازار ارز و مدیریت آن در این شرایط ضروری است بازار آتی ارز تأسیس شده و از طریق مداخله در آن، به بازار ارز نقدی (اسکناس) را کنترل کند. مزیت مثبت این بازار آن است که در این شرایط بانک مرکزی این امکان را خواهد داشت که با استفاده از منابع ریالی امکان مدیریت نرخ ارز را داشته باشد.

ب) حوزه پولی و مدیریت نقدینگی

۱. با توجه به حجم نقدینگی گسترده ۱۵۰۰ هزار میلیارد تومانی که بیش از ۹۸ درصد آن به صورت سپرده‌های بانکی است، یکی از دغدغه‌های مهم ورود بخشی از این نقدینگی به بازارهای دارایی‌ها و یا کالاهاست که در این صورت شاهد افزایش شدید قیمت‌ها در دارایی‌ها و کالاها خواهیم بود. به‌طور مشخص کاهش نرخ سود سپرده‌ها در شهریورماه ۱۳۹۶ و افزایش نااطمینانی اقتصادی در زمستان این سال و در عین بروز برخی مشکلات فنی در بازار ارز فرصت‌های قابل توجهی برای سفته‌بازی و کسب سود در بازار ارز و طلا را فراهم کرد. در این شرایط سپرده‌گذاران به امید کسب سود بیشتر از طریق خرید و فروش ارز با استفاده از سپرده‌های خود اقدام به خرید ارز کردند و این بازار متلاطم شد و نرخ ارز بیش از ۵۰ درصد افزایش یافت. مشابه این اتفاق در بازارهای سکه، زمین و حتی خودرو نیز رخ داد و به افزایش قیمت‌ها در این بازارها منجر شد. برای جلوگیری از ورود نقدینگی به بازارهای دارایی‌ها و کالاهای بادوام، مدیریت نوسانات و همچنین کنترل سفته‌بازی در این بازارها به‌ویژه در بازار ارز به‌عنوان متغیر کلیدی اقتصاد و جهت‌دهنده به بازار سایر دارایی‌ها و کالاها ضروری است. کنترل تغییرات شدید



نرخ ارز از طریق انتخاب درست قیمت و مداخله صحیح در بازار ارز براساس آن می‌تواند فرصت‌های سفته‌بازی را تا حد ممکن محدود کند. در کنار مدیریت نوسانات ارز، وضع مالیات بر عایدی سرمایه و یا مقررات محدودکننده در مبادلات این بازارها با هدف افزایش هزینه‌های مبادلاتی نیز می‌تواند انگیزه ورود به این بازارها را محدود کند.

۲. یکی از عوامل افزایش نقدینگی و تورم کسری بودجه دولت است که از طریق افزایش بدهی‌های دولت به بانک مرکزی یا بانک‌ها یا فروش اوراق مالی تأمین می‌شود. راهبرد بهینه در این خصوص کاهش کسری بودجه از طریق افزایش درآمدهای مالیاتی با تمرکز بر جلوگیری از فرار مالیاتی و گسترش پایه‌های مالیاتی (خصوصاً مالیات بر عایدی سرمایه) و همچنین مدیریت هزینه‌ها با تمرکز بر کاهش هزینه‌های دولت در همه بخش‌ها از طریق اصلاحات در فرآیندها و قوانین است. چنانچه پس از این اصلاحات کماکان به دلیل محدودیت‌های اعمال شده بر صادرات نفت بودجه دولت کسری داشته باشد، فروش اوراق بهادار بر استقراض مستقیم از بانک مرکزی و بانک‌ها اولویت دارد؛ البته در صورت مداخله بانک مرکزی از طریق عملیات بازار باز برای کنترل نرخ بهره. نکته اساسی همان‌گونه که بیان شد ضرورت مداخله بانک مرکزی در بازار بین‌بانکی از طریق عملیات بازار باز برای جلوگیری از افزایش نرخ بهره حاصل از فروش این اوراق است.

۳. یکی از ملزومات مدیریت نقدینگی هماهنگی نرخ‌های سود دارایی‌ها در بازارهای مختلف است. به‌عنوان نمونه چنانچه در بازار سرمایه نرخ‌هایی بسیار بالاتر از سود سپرده‌ها تعیین شود، اختلالات جدی در بازار پول کشور ایجاد خواهد شد. به همین ترتیب نرخ‌های تعیین شده سود در بازار بیمه نیز در بازار پول و بازار سرمایه مؤثر است. در این شرایط تأسیس شورای هماهنگی ثبات مالی کشور به ایجاد هماهنگی در تعیین نرخ سود دارایی‌های منتشره در بازارهای پول، سرمایه و بیمه کمک خواهد کرد که برای مدیریت نقدینگی در حال حاضر بسیار ضروری است.



شماره مسلسل: ۱۵۹۵۶

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: تحلیل تحولات اخیر اقتصاد ایران

نام دفتر: مطالعات اقتصادی (گروه اقتصاد کلان و مدلسازی)

تهیه و تدوین کنندگان: محمدرضا عبداللهی، سیدهادی موسوی‌نیک، نرگس صادقی، زهرا کاویانی

ناظران علمی: محمد قاسمی، سیدعلی روحانی

همکاران: سیدمهدی حسینی دولت آبادی، سعید غلامی‌باغی، سیدمهدی بنی‌طبا، شعله باقری‌پرمهر

متقاضی: معاونت پژوهش‌های اقتصادی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. تورم
۲. نرخ ارز
۳. رشد اقتصادی
۴. تحولات اخیر
۵. قیمت خودرو
۶. قیمت طلا



تاریخ انتشار: ۱۳۹۷/۵/۳